

مفهوم تاریخ

واژه‌ها و روش‌ها

عبدالله عروی

ترجمه سید محمد آل مهدی

www.ketab.ir



نشر اختران

سرشناسه	: عروی، عبدالله، ۱۹۳۳ - م. Arawi, Abd Allah
عنوان قراردادی	: مفهوم التاریخ، فارسی، برگزیده
عنوان و نام پدیدآور	: مفهوم تاریخ: واژه‌ها و روش‌ها / عبدالله عروی: ترجمه سید محمد آل مهدی
مشخصات نشر	: تهران: اختران، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۲۸۶ص. ۲۱/۵×۱۴/۵
شابک	: 978-964-207-279-8
وضعیت فهرست نویسی: فیبا	
یادداشت	: کتابنامه: ص. [۲۷۹] - ۲۸۵
موضوع	: تاریخ -- فلسفه
موضوع	: History -- Philosophy
شناسه افزوده	: آل مهدی، سید محمد، ۱۳۳۱ - مترجم
رده بندی کنگره	: D ۶/۸
رده بندی دیویی	: ۹۰۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۷۶۰۵۶۳۵

www.ketab.ir



نشر اختران

مفهوم تاریخ

واژه‌ها و روش‌ها

عبدالله عروی

مترجم: سید محمد آل مهدی

طراح جلد: بتی بریران

نوبت چاپ: اول ۱۴۰۰

شمارگان: ۷۰۰ نسخه

چاپ چکاد

کارگر جنوبی - خیابان روانمهر - پلاک ۱۵۲ ط ۱ تلفن: ۶۴۴۱۰۳۲۵ و 090Akhtaran فروشگاه: ۶۶۴۱۱۴۳۹

www.akhtaranbook.ir - Insta.: akhtaranpub - akhtaranbook@yahoo.com

شابک: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۲۰۷ - ۳۷۹ - ۸

همه‌ی حقوق محفوظ است

بها: ۶۸۰۰۰ تومان

فهرست

۹	یادداشت مترجم
۱۵	پیش درآمد
۱۵	۱- هدف
۱۶	۲- الگوبرداری
۱۹	۳- آثار نگاشته شده
۲۳	۴- آگاهی
۲۶	۵- ساختار
۲۹	۶- سودمندی
۳۰	۷- بازگشت به «مقدمه»
۳۳	بخش یکم: پرسش های مقدماتی
۳۴	فصل یکم: تاریخ
۳۴	۱- شیء و تصور آن
۳۵	۲- تاریخ در تعریف، تاریخی بشری است
۴۰	۳- تاریخ گذشته حاضر است
۴۵	فصل دوم: موزخ
۴۵	۱- موزخ کیست؟
۵۲	فصل سوم: رویکرد موزخ
۵۲	۱- دوگانگی
۵۴	۲- دیدگاه شاعر
۵۷	۳- دیدگاه حکیم (فیلسوف یونانی)
۶۰	۴- دیدگاه جامعه شناس
۶۲	۵- دیدگاه دانشمند علوم طبیعی
۶۸	فصل چهارم: نقد یا فرازوی
۷۳	بخش دوم: مفاهیم
۷۴	فصل یکم: رویداد
۷۴	ماده خام

۷۶	۲- خبر رسانه‌ای
۸۰	۳- رویداد تاریخی
۸۴	۴- چارچوب‌بندی
۸۷	۵- بازگشت رویداد
۹۰	فصل دوم: گواه
۹۰	تنوع
۹۱	دانش‌های کمکی
۹۳	معنای واژگانی
۹۴	گواه صفت است
۹۶	ترتیب و اشکال آن
۹۸	فصل سوم: نقد
۹۸	نقض
۱۰۲	تدقیق
۱۰۴	احیا
۱۰۹	بخش سوم: هیستوگرافی
۱۱۰	فصل یکم: تاریخ بر مدار خبر
۱۱۰	شروع و الگوبرداری
۱۱۱	مرزبندی
۱۱۳	راوی و شنونده و انسان آگاه
۱۱۵	تاریخی و آدمی
۱۱۸	دستاورد زبان‌شناسی چه بود؟
۱۲۰	پالایش
۱۲۳	به گذشته دل سپردن
۱۲۶	فصل دوم: تاریخ بر بنیاد پیمان
۱۲۶	تعریف
۱۲۸	انواع پیمان‌ها
۱۳۰	شرایط پیش رو
۱۳۲	نقد: تحقیق و تحقق است
۱۳۳	مرزهای نقد
۱۳۷	فصل سوم: تاریخ بر مدار تمثال
۱۳۷	مرزبندی

از تمثال تا اسطوره.....	۱۳۹
نقد موزه‌ای.....	۱۴۱
رمزپردازی.....	۱۴۴
فصل چهارم: تاریخ بر مدار اثر (طبیعی).....	۱۴۶
زمان در طبیعت.....	۱۴۶
از تحفه‌ها تا دوراندختی‌ها.....	۱۴۸
کاربست‌ها.....	۱۵۰
بحران.....	۱۵۱
جریان مادی تاریخ.....	۱۵۴
فصل پنجم: تاریخ بر مدار اعداد و ارقام.....	۱۵۶
مقدمه.....	۱۵۶
انسان مولّد.....	۱۵۸
کامپیوتر.....	۱۶۲
تراز سوم.....	۱۶۷
نقد روش.....	۱۶۸
بازسازی یا نقی؟.....	۱۷۱
فصل ششم: تاریخ بر مدار عوامل ژنتیک.....	۱۷۳
پیکر گواهی.....	۱۷۳
از نسب‌شناسی تا دانش ژنتیک.....	۱۷۵
گفتمان ژن.....	۱۷۸
تبارگرایی.....	۱۸۱
فصل هفتم: تاریخ بر مدار رویا.....	۱۸۵
روان‌شناسی.....	۱۸۵
فروید.....	۱۸۹
روان‌گواه.....	۱۹۰
... و برنامه تحلیل.....	۱۹۲
مرزها و مأخذها.....	۱۹۴
فصل هشتم: تاریخ بر مدار مفهوم.....	۲۰۰
مرزبندی.....	۲۰۰
تاریخ کامل.....	۲۰۲
خطرها.....	۲۰۴

یادداشت مترجم

تاریخ چیست؟ مورخ کدام است؟ خبر (آحاد، متواتر)، روایت، رویداد، واقعه، پیشامد، سند، گواه، نشانه، چه معنایی دارند؟ آیا مورخ خبر را که توصیف شفاهی رویداد است آن چنان که هست ثبت می‌کند؟ در این صورت چه تفاوتی میان مورخ و روزنامه‌نگار و یا میان تاریخ طبری و تاریخ ابن خلدون است؟ اگر چنین نیست و مورخ پس از بررسی و اعمال نظر، خبر را به ثبت می‌رساند، در این صورت مبنای کار او چه خواهد بود؟ اساساً هر خبری می‌تواند مواد خام مورخ باشد یا تنها رویدادهای بااهمیت رویداد تاریخی هستند؟ چه کسی رویداد تاریخی را از غیر تاریخی تشخیص می‌دهد؟ مردم، قدرت سیاسی، مورخ یا اینکه خود رویداد به سبب نقشی که در زمان وقوع و تأثیری که بعدها داشته، رویدادی تاریخی شده است.

نقش سند در تاریخ‌نگاری چیست و چه ماهیتی دارد؟ می‌توان آن را دارای ماهیت یکسان دانست یا ماهیت متفاوت دارد؟ آیا سند «نزد پژوهشگری که در موزه‌ای مشغول پژوهش است و کسی که در کتابخانه ملی تحقیق می‌کند، ماهیت یکسانی دارد»^۱ یا اینکه سند نزد اولی «بازمانده‌های سنگی حیوانی و نباتی است و نزد دومی دست‌نوشته‌ها یا دفاتر ثبت گزیده‌هاست»^۲ در حالی که «متخصص سده بیستم سخنرانی‌های ضبط‌شده و فیلم‌های مستند»^۳ را سند می‌داند اساساً می‌توان تاریخی بدون سند نگاشت، هر سندی می‌تواند معتبر باشد یا اینکه بسیاری از چیزها می‌توانند نقش سند را ایفا کنند، وانگهی میان رویداد و سند کدام یک بر دیگری تقدم دارد؟ به عبارتی «رویداد را مقدم بشماریم و چگونگی شکل‌گیری سند را جویا شویم یا اینکه سند را مقدم بداریم و صحت رویداد را بررسی کنیم»^۴ آیا نقد در تاریخ همان «هوشیاری در برابر سند نیست تا بتوان در برابر امیال شخصی مورخ در تأیید یا رد پیشاپیش رویداد جلوگیری کرد»؟ به هر حال چگونه

می‌توان تاریخی نوشت، که به گفته ابن خلدون گذشته را برای شناخت حال و پیش‌بینی آینده بررسی^۵ کند؟

برخی معتقدند، مورخ گذشته را با ذهنیت حال بررسی می‌کند، و با کروچه، فیلسوف ایتالیایی، هم‌صدا هستند که گفته است: «تاریخ همواره تاریخ اکنون است و گذشته مرده و از میان رفته است.» و برخی دیگر نیز به‌گونه‌ای دیگر به گذشته نگاه کرده و گفته‌اند: «گذشته مورد مطالعه مورخ نمرده بلکه در اکنون زیست دارد»، اما خود گذشته مرده است و برای مورخ فاقد معناست. «مگر آنکه بتواند اندیشه پشت آن را دریابد». بدین قرار تاریخ «بازنمایی مجدد اندیشه‌ای در ذهن مورخ است که خود سرگرم مطالعه تاریخ آن است»^۶.

تاریخ به چه استناد می‌کند؟ زمانی به روایتی شفاهی و روزگاری به سند مکتوب استناد می‌کند و امروزه انواع و اقسام مستندات را دارد. آیا اگر مورخ تنها به اسنادی که در کتاب‌های پیشینیان آمده است مراجعه کند و خود رأی و نظری نداشته باشد، تاریخ او به گفته کالینگوود، تاریخ «چسب و قیچی»^۷ نخواهد بود؟ وانگهی امروزه که مورخ می‌تواند هر چیزی را به مدرکی تاریخی تبدیل کند به‌گونه‌ای که برخی سند را «گفته‌ای فرو بسته و ناگویا دانسته‌اند» که مورخ آن را به سخن درمی‌آورد و آن‌چنان که واثیمو گفته است: «در بیشتر موارد آنچه را می‌خواهیم بیان می‌کند»^۸، سند تا چه اندازه می‌تواند مورد اعتماد باشد؟ و اگر سند چنین وضعیتی دارد، می‌توان تاریخ را همانند علوم تجربی علم دانست؟ آیا قوانین علمی که بر پدیده‌های ریاضی، فیزیک و شیمی حاکم است و معلول‌ها را به علل پیوند می‌دهند و نتایج را از مقدمات می‌گیرند، بر تاریخ نیز فرمان می‌رانند؟

در سده نوزدهم اثبات‌گرایان به اعتبار اینکه صورت‌بندی تاریخ جز از راه اسناد و مدارک میسر نیست و اسناد و مدارک گواهان گذشته هستند، به تاریخ ویژگی علمی بخشیده‌اند، اما مخالفان آنان با استناد به همین مدارک، معرفت تاریخی را ناقص دانستند. آنان مطرح کردند که مورخ در فرایند کار خود منابع و مدارکی را به کار می‌گیرد که با فرض‌های او همخوان باشد و مدارک دیگر را کنار می‌گذارد. این برخورد گزینشی سبب معرفت تاریخی ناقص

می‌شود. و کاترین مورلند، در این باره تا بدان‌جا پیش رفته است که به بخش بزرگی از تاریخ شک کرده و آشکارا گفته است: «اغلب به نظرم عجیب می‌آید، چرا تاریخ چنین ملال‌انگیز است؟ چون بخش بزرگی از آن حتماً ساختگی است.»^۹ پروفیسور اوکشات نیز تاریخ را ساخته و پرداخته ذهن مورخ می‌داند و می‌نویسد: «تاریخ تجربه مورخ است و ساخته کسی جز مورخ نیست، تنها راه ساختن تاریخ، نوشتن آن است.»^{۱۰}

اگر چنین است تا کجا می‌توان با تاریخ پیش رفت؟ مگر نگارش تاریخ از زمان هرودت و توسیدید تا پری و برادلی و اوکشات و توینی و مفهوم آن از زمان افلاطون و ارسطو تا کانت و هگل و نیچه و هایدگر و گادامر تفاوتی نداشته است؟ اگر تفاوتی میان این نگارش‌ها وجود نداشته است پس تفاوت میان تاریخ‌روایی، انتقادی و علمی چیست؟ کدام‌یک از این نگاه‌ها به تاریخ درست است؟ کالینگورد با طرح این پرسش مخالف است و می‌گوید: «قدیس اوگوستینوس با نگاه مسیحیان نخستین، تیی‌مون با دید یک فرانسیس سده هفدهم، گیبون با نگاه یک انگلیسی قرن هجدهم و مومسن با دید یک آلمانی سده نوزدهم به تاریخ می‌نگریستند. [براین] بی‌مورد است بپرسیم کدام دیدگاهی درست بود؟ هریک تنها دیدگاه ممکن خود را داشت.»^{۱۱} چنین شک و تردیدی را چگونه می‌توان برطرف ساخت؟

پرسش‌هایی از این قبیل ما را به حوزه فلسفه تاریخ که عرصه جدال فیلسوف و مورخ است سوق می‌دهد. کتاب پیش رو نمایانگر بخشی از این جدال است.

عبدالله عروی اندیشمند مغربی سال ۱۹۳۳ میلادی در ازمو، یکصد و بیست کیلومتر غرب دارالبیضاء، به دنیا آمد. او پس از پایان دوره دبیرستان در رباط، راهی فرانسه شد و در سال ۱۹۷۶ موفق به اخذ دکترای دولت از دانشگاه سوربن شد. مقاله‌های نخست او درباره نقد ایدئولوژی، تاریخ اندیشه‌ها و سازمان‌ها در مجلات ارقام (رباط)، مواقف (بیروت)، دراسات عربیه (بیروت) و مجلات فرانسیس منتشر شد. پس از آن کتاب‌های او یکی

پس از دیگری منتشر شدند که نخستین شان در حوزه اندیشه، *ایدئولوژی عربی معاصر* به زبان فرانسه بود و سال ۱۹۷۰ روانه بازار کتاب شد. این کتاب که محمد عیتاوی آن را به عربی ترجمه کرد، نشان از پروژه فکری عرویی داشت و او را میان دل مشغولان به این حوزه، مطرح ساخت. سه سال بعد کتاب *عرب و اندیشه تاریخی* از او منتشر شد.

عرویی همواره احساس می کرد بسیاری از اندیشمندان عرب مفاهیمی چون ایدئولوژی، دولت، آزادی... را آن چنان که باید و شاید درک نکرده اند. از این رو بر آن شد تا این مفاهیم را نقد و بررسی کند که حاصل این نقد و بررسی پنج کتاب *مفهوم ایدئولوژی، مفهوم آزادی، مفهوم دولت، مفهوم تاریخ* (دو جلد جدا از یکدیگر) و *مفهوم عقل* بود. عرویی فزون بر حوزه اندیشه در حوزه ادبیات نیز قلم زده و چند رمان نوشته است که دو رمان غربت و یتیم، معروف ترین آنهاست.

او در مصاحبه هایش با مجله *آفاق*، بارها گفته است: من از یک سو به قصه یا رمان می پردازم و از سوی دیگر به نقد مفاهیم. من واقعیت را از دو زاویه: وصف و تحلیل، بررسی می کنم.

عرویی در دفاع از پروژه نقد مفاهیم می نویسد: «اما در مورد مفاهیم مجردی که محدود به زمان و مکان نیستند سخن نمی گوئیم. ما این مفاهیم را تنها به خاطر صفای ذهن و دقت در تعبیر نقد و بررسی نمی کنیم بلکه باور داریم هر تلاشی در جامعه ما به این دقت و صفای ذهن مربوط است.»^{۱۲}

عرویی روی به آینده دارد و گذشته گرایی را عامل عقب ماندگی می داند. و صد البته نقد او از گذشته برای بازسازی نیست، او گذشته را نقد می کند تا کنار بگذارد.

عرویی در سال های اخیر به نوشتن خاطرات خویش پرداخته است اما هیاهوی انتشار جلد اول این خاطرات، او را واداشت تا انتشار بقیه را به زمانی دیگر موکول کند. سخن درباره عرویی و آثار او به ویژه این اثر مشهورش مشنوی را هفتاد من کاغذ کند بنابراین بهتر است به همین بسنده کنم و خواننده را در قضاوت خویش مقید نکنم.